



شناخت ابعاد زندگی صدیقه طاهره (س) از قدرت قلمها و ادراک خارج است

آیت الله میرعظیمی گفت: بررسی و شناخت عمیق ابعاد زندگی حضرت زهرا (س) این بانوی بی همتا از قدرت قلمها و ادراک خارج است و دریافت جرعه ای از آن توفیقی عظیم است.

آیت الله میرعظیمی گفت: بررسی و شناخت عمیق ابعاد زندگی حضرت زهرا (س) این بانوی بی همتا از قدرت قلمها و ادراک خارج است و دریافت جرعه ای از آن توفیقی عظیم است. آیت الله سید مختار میرعظیمی در مورد شهادت حضرت زهرا (س) در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: سخن در این باب شالوده نظام فکری می شود که لزوم امامت و اهمیت آن و مباحث مربوطه را مطرح می سازد که جای بسی حرف دارد و برای استقرار آن تحول عظیم در دل حکومت اسلامی چون مسئله بعثت پیامبر، نیاز به پرداخت هزینه و ای گزاف است و این بهاء چیزی نیست جز کیفیت شهادت حضرت زهرا و محسن شش ماهه ایشان و مسئله اصلی نیز همان کیفیت و چگونگی شهادت در این مسیر برای حمایت و دفاع از امامت و ولایت است و نه حکومت و خلافت آن طور که مطرح شده بود مانند همان کیفیت خاص در قیام عاشورا که آن را متفاوت و ماندگار کرد.

جدا شدن مسیر خلافت از امامت و ایجاد انحراف در آن

وی افزود: بحث در خلافت، حکومت است ولی در بحث جانشینی حضرت علی مسئله اساسی بنیان گذاری اصل مهم امامت است که از اعتقادات تشیع است. حکومت بعد از پیامبر غصب شد در حالی که امامت بنیانی الهی، غیر قابل خدشه و بی نقص بوده و منصبی نیست که قابل غصب باشد. جدا شدن مسیر خلافت از امامت و ایجاد انحراف در آن، اسلام نو پا را در مسیری قرار داد که امامت جدای از حکومت به مسیر و مأموریت الهی خود ادامه دهد و مسیری پر چالش و روبروی اهل بیت قرار گیرد و خلافت که با تنش و انحراف از مسیر مقرر الهی خارج شده زمینه بروز مشکلات بسیاری برای جامعه مسلمین می گردد.

وی ادامه داد: حضرت زهرا در فرازی از سخنان خود چنین می فرماید: «لَا تَرْكُوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ وَاتَّبِعُوا عِترَةَ نَبِيِّهِ، لَمَّا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ أَثْنَانُ، وَلَوْ رُثِيَ سَلَفٌ عَنْ سَلَفٍ، وَخَلَفَ بَعْدَ خَلْفٍ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا، التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ به خدا سوگند، اگر حق یعنی خلافت و امامت را به اهلش سپرده بودند و از عترت و اهل بیت پیامبر (صلوات الله عليهم السلام) پیروی و متابعت کرده بودند، حتی دو نفر هم با یکدیگر درباره خدا و دین اختلاف نمی کردند و مقام خلافت و امامت توسط افراد شایسته یکی پس از دیگری منتقل می گردید و در نهایت تحویل قائم آل محمد عجل الله می گردید که او نهمین فرزند از حسین علیه السلام می باشد»؛

موضوع غصب خلافت در خطبه شقشقیه

این کارشناس دینی گفت: آن چه در تاریخ ثبت و تأیید شده است این است که حضرت علی (ع) علی رغم همه تلاش و استدلالها و احتجاجها در توضیح و تفهیم خطری که دامنگیر مسلمین خواهد شد از جانب پیامبر امر به موضعگیری خاصی شده اند که در توصیف آن در خطبه شقشقیه که مربوط به غصب خلافت است، چنین می فرماید: «لَا يَرْقَى إِلَى الطَّيْرِ؛ فَسَدَلْتُ دُونَهَا تَوْبًا، وَ طَوَيْتُ عَنْهَا كَشْحًا وَ طَفِئْتُ أَرْتِي بَيْنَ أَنْ أَصُولَ بَيْدٍ جَدَاءً، أَوْ أَصِيرَ عَلَى طَخِيَةٍ [ظلمة] عَمِيَاءَ، يَهْرَمُ فِيهَا الْكَبِيرُ، وَ يَشْيِبُ فِيهَا الصَّغِيرُ، وَ يَكْدَحُ فِيهَا مُؤْمِنٌ حَتَّى يَلْقَى رَبَّهُ! قَرَأْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحَجُّ، فَصَبَرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى، وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا، أَرَى تُرَائِي نَهْبًا؛ و مرغ اندیشه را یاری پرواز به بلندای من نیست. [در آن زمان که خلافت به انحراف گراییده بود] پرده ای میان خود و زمامداری افکندم، و روی از آن گردانیدم و در اندیشه شدم که با دست بریده و بدون یاور [برای به دست آوردن حق غصب شده ام] پیکار نمایم، یا در برابر آن رویداد تاریک و پر ابهام صبر کنم. رویدادی که پیران را فرتوت، و جوانان را پیر می کند، و مؤمن در آن همواره در سختی به سر می برد تا آن که خدایش را دیدار نماید. به این نتیجه رسیدم که شکیبایی و صبر خردمندانه تر از مبارزه و پیکار است، پس در حالی که خار در چشم و استخوان در گلو داشتم صبر کردم و نظاره گر غارت میراث خود شدم»؛

وی افزود: لزوم اطاعت از اولی الامر و وفای به عهد طبق آیات قران از جمله: «وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا؛ و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده اش به کاری فرمان دهند، برای آنان در کارشان اختیاری باشد؛ و هر کس خدا و فرستاده اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است»؛ باعث شده شرایط سختی برای حضرت علی پیش آید.

میرعظیمی گفت: ایشان امر به موضع گیری خاص و دشواری شده و پیامبر آن را برای حفظ شالوده اسلام با توجه به خطرانی که اسلام تازه تأسیس را سخت تهدید می کند، لازم و ضروری دانسته اند، حضرت زهرا درباره آن چنین می فرماید: «مَا صَبَعَ أَبُو الْحَسَنِ إِلَّا مَا كَانَ يَنْبَغِي لَهُ، وَلَقَدْ صَنَعُوا مَا اللَّهُ حَسْبُهُمْ وَ طَالِبُهُمْ؛ آن چه را امام علی (ع) نسبت به دفن رسول خدا و جریان بیعت انجام داد، وظیفه الهی او بوده است و آنچه را دیگران انجام دادند خداوند

آنها را محاسبه و مجازات می نماید. »

توصیف امیرالمومنین از شرایط آن دوره

وی ادامه داد: حضرت علی در توصیف شرایط آن موقع می فرمایند: « وَاللَّهِ مَا كَانَ يُلْقَى فِي رُوعِي، وَلَا يَخْطُرُ بِبَالِي، أَنَّ الْعَرَبَ تَزْعِجُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَلَا أَنَّهُمْ مُنَحَوُهُ عَنِّي مِنْ بَعْدِهِ! فَمَا رَأَيْتُ إِلَّا أَنْتِيَالَ النَّاسِ عَلَى فَلَانٍ يَبَايَعُونَهُ، فَأَمْسَكَتُ يَدِي حَتَّى رَأَيْتُ رَاجِعَةَ النَّاسِ قَدْ رَجَعَتْ عَنِ الْإِسْلَامِ، يَدْعُونَ إِلَى مَحَقِّ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَخَشِيتُ إِنْ لَمْ أَنْصُرِ الْإِسْلَامَ وَآهْلَهُ أَنْ أَرَى فِيهِ ثُلَمًا أَوْ هَذَمًا، تَكُونُ الْمُصِيبَةُ بِهِ عَلَيَّ أَعْظَمَ مِنْ قُوَّةِ وَلَايَتِكُمْ إِلَيَّ إِنَّمَا هِيَ مَتَاعُ أَيَّامٍ قَلِيلٍ، يَزُولُ مِنْهَا مَا كَانَ، كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ، أَوْ كَمَا يَتَفَشَّعُ السَّحَابُ؛ فَهَضْتُ فِي تِلْكَ الْأَحْدَاثِ حَتَّى زَاغَ الْبَاطِلُ وَزَهَقَ، وَاطْمَأَنَّ الدِّينُ وَتَنَهَّاهُ؛ بِهِ خُذَا سَوَگَنْدَ، هَرْگَزَ تَصُورَ نَمِي کُردم که عرب پس از درگذشت پیامبر، خلافت را از خاندان او برگرداند، یا پس از پیامبر آن را از من دور کند. مرا به درد و فرياد نياورد مگر شتافتن مردم به سوی فلان برای بیعت کردن با او. من مدتی دست از بیعت کشیدم، تا آنکه دیدم گروهی از مردم از اسلام برگشتند و مردم را به نابود کردن دین محمد فرا می خوانند. پس ترسیدم که اگر اسلام و مسلمانان را یاری نکنم رخنه ای در دین یا ویرانی ای در آن خواهم دید، که مصیبت آن بر من بزرگ تر از محروم شدن از حکومت بر شماست، حکومتی که متاع چند روزه ی دنیاست و همچون سرابی دستخوش زوال خواهد شد، یا مانند ابر از هم خواهد پاشید.

پس در میان آن آشوب و بلوا قیام کردم تا آنکه باطل نابود شد و از بین رفت، و دین استوار و پابرجا گردید. »

وی افزود: امام در ادامه سخن خود در زمان خلافت خویش چنین فرمودند: « هَانِ ای مردم آگاه باشید روزی که رسول گرامی از میان ما رخت بر بست، فکر می کردیم کسی با ما، درباره حکومتی که او پی افکنده بود، نزاع و رقابت نمی کند و به حق ما چشم طمع نمی ورزد؛ زیرا ما وارث و ولی و عترت او بودیم، اما بر خلاف انتظار، گروهی از قوم ما به حق ما تجاوز کرده و خلافت را از ما سلب کردند و حکومت به دست دیگران افتاد... به خدا سوگند اگر ترس از ایجاد شکاف و اختلاف در میان مسلمانان نبود و بیم آن نمی رفت که بار دیگر کفر و بت پرستی به سرزمین اسلام باز گردد و اسلام محو و نابود گردد، با آنان به گونه دیگری رفتار می کردیم. »

هدف اصلی در زندگی پیامبر و ائمه، حفظ اسلام اصیل است

وی گفت: روشن است که هدف اصلی در زندگی پیامبر و ائمه، حفظ اسلام اصیل است و هر چیز ارزشمندی برای پیشبرد این هدف والا باید اهدا گردد. حضرت زهرا نیز با درک کامل از شرایط در آن برهه خاص وارد عمل شده و انقلابی به راه می اندازد، همان طور که امام حسن (ع) به حسب شرایط زمانش سکوت می کند در حالی که امام حسین قیام می کند، حضرت زینب چون پدر گرامیش صبر پیشه می کند و با فصاحت ذاتی اش پرده از ظلمهای یزید برداشته و پیام عاشورا را که در صحرایی بی آب و علف مانده برای همیشه ماندگار می کند و اینها رسالتهایی است که اهل بیت برای حفظ اسلام و معرفی مسیر واقعی مکلف به آن هستند و طبق آیات قرآن سلیقه و عقیده شخصی هیچ جایگاهی در آن ندارند: « مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا؛ از میان مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند. »

این کارشناس دینی گفت: با حوادث بعد از رحلت پیامبر، مسئله حکومت با جدا شدن امامت از آن و با برنامه ریزی قبلی و طبق دسیسه بدخواهان صرفاً تبدیل به خلافت محض گردید و خلفای اموی و عباسی آنرا بر خلاف سنت پیامبر به سلسله پادشاهی تبدیل کردند و این همان چیزی بود که حضرت زهرا با اشراف کامل بر اهمیت سیاسی آن به عنوان مدافع امامت و ولایت و برای جدا کردن راه از بیراهه ای که برای آن تجمع کرده و همت گماشته اند، در انقلاب خونین خود، راهی جز اهداء جان مبارک برای زنده نگاه داشتن آن ندیدند و پیام قرآنی «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» و داستان تضییع حق اهل بیت را برای همیشه در تاریخ اسلام ماندگار کردند تا آیندگان بدانند که مقابله با انحراف خطرناک پیش آمده یک فرياد قدرتمند و حرکتی شجاعانه و منحصر به فرد و بهایی گزاف می خواهد تا حق را از باطل جدا کند و آن چیزی نیست جز بذل جان کسی که پیامبر درباره او فرموده: «فاطمه پاره تن من است، هر کس او را بیازارد مرا آزرد و هر کس مرا بیازارد، خدا را آزار داده است. » حضرت خطاب به مهاجرین و انصار در جواب همه ستمهایی که بر ایشان جاری شد چنین فرمودند: «إِلَيْكُمْ عَنِّي، فَلَا عُدْرَ بَعْدَ غَدِيرِكُمْ، وَالْأَمْرُ بَعْدَ تَقْصِيرِكُمْ، هَلْ تَرَكَ ابْنِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لَا حِدَّ عُدُوٍّ؛ از من دور شوید و مرا به حال خود رها کنید، با آن همه بی تفاوتی و سهل انگاری هایتان، عذری برای شما باقی نمانده است آیا پدرم در روز غدیر خم برای کسی جای عذری باقی گذاشت. »

امیرالمومنین با حرکت مدبرانه خود انوار امامت را ثبات بخشید

آیت الله میرعظیمی گفت: چنین شد که امیرالمؤمنین علی (ع) بعد از رحلت پیامبر بی یار و یاور نماند، چرا که سپاهی به اوج قدرت و عظمت و جلالت زهراي اطهر داشت. روش مخصوصی که ایشان برای انزجار ابدی از عوامل این انحراف نشان دادند اعلامی بود مبنی بر این که اسلام در خطر است و علی تنهاست و یار و یاور می خواهد و «هل من ناصر ینصرنی» سر می دهند در حالی که شکی نیست که یاری خداوند برای آنان کافی است ولی این فریادها اتمام حجتی برای شنوندگان آن در طول تاریخ شد، خداوند در قرآن با تعبیری جالب مبنی بر ضعیف بودن عمل مخالفان علی رغم به کار گیری تمام همتشان، چنین بشارت می دهد: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ

مَيِّمٌ نُورُهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ؛ می&zwnj؛ خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گر چه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید.»؛ ایشان با حرکت مدبرانه خود انوار امامت را ثبات بخشید هر حق آن به جا نیامد ولی اصل آن معرفی شده و جاویدان ماند و علی رغم تلاشها روش ابداعی خلافت مورد تأیید اهل بیت قرار نگرفت و با به وجود آمدن شرایط نامساعد برای اهل بیت و رهروان آنها، بشارت حکومت عدل جهانی و روشن بودن نور الهی تحت پرچم امامت و ولایت توسط منجی الهی اعلام و نور امیدی برای شیعیان گردید.

وی ادامه داد: با تأملی در خطبه های حضرت زهرا می&zwnj؛ بینیم که اتمام حجت با اطرافیان در صدر سخنان قرار دارد. حضرت زهرا می&zwnj؛ داند که گروه مقابلش عزم خود را جزم کرده و لذا فقط متذکر می شود و این تذکر معنایش این است که شما می دانید چه می&zwnj؛ کنید و در عملی کردن توطئه خود مصمم هستید، در حالی که از پیامبر شنیده اید:«؛ إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لَغْضَبِكُمْ وَ يَرْضَى لِرِضَاكُمْ؛ خداوند بواسطه خشنودی فاطمه خشنود و بواسطه خشم او خشمگین می شود.»؛ حضرت زهرا در خطبه خود فرمودند: «؛ إِنِّي أَشْهَدُ لِلَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ، أَنَّكُمْ أَسْخَطْتُمَانِي وَ مَا رَضِيتُمَانِي وَ لَئِنْ لَقِيتُ النَّبِيَّ لَا شَكَّوْتُكُمْ إِلَيْهِ؛ خدا و ملائکه را گواه می گیرم که شما مرا خشمناک کرده و آزرده&zwnj؛ اید و مرا راضی نکردید و چنانچه رسول خدا را ملاقات کنم شکایت شما دو نفر را خواهم کرد.»؛ وی افزود: حضرت زهرا در سخنان خود می فرمایند:«؛ إِذَا حُشِرْتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، اشْفَعُ عَصَاَ أُمِّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ؛ هنگامی که در روز قیامت برانگیخته و محشور شوم، خطاکاران امت پیامبر صلی الله علیه و آله، را شفاعت می نمایم.»؛ تأکید بر کلمه خطا نیز تأییدی بر این است که تعمد و مصمم بودن آنها در راهی که در پیش گرفتند، به دور از خطا بوده و قابل گذشت نیست چرا که قبلاً این مسیر کاملاً تبیین شده است و ایشان فرموده است:«؛ اگر به آن چه شما را امر نمودیم عمل می کنی و آن چه شما را بر حذر داشته ایم دوری می کنی، از شیعیان ما هستی و إلا هرگز.»؛

وی تصریح کرد: آنان در جریان غصب فدک برای تضعیف قدرت اهل بیت و دور کردن آنها از شعاع خلافت، به خیال خود فاطمه را از نعمتی بزرگ محروم کردند در حالی که غافل بودند تمام آسمان&zwnj؛ ها و زمین مهریه زهراست و این تحریم ظاهری سندی برای رسوایی آنان تا ابد خواهد شد. در قسمتی از سخنان حضرت آمده است:«؛ لَا تُصَلِّيَ عَلَى أُمِّهِ نَقَضَتْ عَهْدَ اللَّهِ وَ عَهْدَ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ فِي امِيرَالْمُؤْمِنِينَ عَلَى، وَ ظَلَمُوا لِي حَقِّي، وَ آخَذُوا إِرْثِي، وَ خَرَقُوا صَحِيفَتِي اللَّتِي كَتَبَهَا لِي أَبِي يَمْلِكُ فَدَك؛ افرادی که عهد خدا و پیامبر خدا را درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام شکستند و در حق من ظلم کرده و ارثیه&zwnj؛ ام را گرفتند و نامه پدرم را نسبت به فدک پاره کردند، نباید بر جنازه من نماز بگذارند.) فرضی را که یکی از علمای سنی درباره فدک در مناظره ای ارائه داده، وجهی منطقی است که جای تأمل دارد، در قسمتی از آن می خوانیم:«؛ من نمی&zwnj؛ گویم که خلفاء به زور، فدک را از مسلمانان می&zwnj؛ گرفتند و به فاطمه می&zwnj؛ دادند، من می&zwnj؛ گویم چرا خلیفه وقت، رضایت مسلمانان را در پس دادن فدک جلب نکرد؟ چرا به مانند پیامبر برخاست و در میان اصحاب او نگفت: مردم زهرا دختر پیامبر شماست، او می&zwnj؛ خواهد مانند زمان پیامبر، نخلستان&zwnj؛ های فدک در اختیار او باشد، آیا حاضرید با طیب نفس و رضایت قلبی فدک را به زهرا پس بدهید؟»؛

صبر نما و به قضا و مقدرات الهی خوشنود باش!

این کارشناس دینی اظهار داشت: حضرت زهرا در حادثه یورش به خانه امام علی برای بیعت اجباری و آتش زدن در و سقط حضرت محسن در اثر قرار گرفتن بین در و دیوار و شکسته شدن پهلوی مبارک، بیشتر از ۷۵ و یا ۹۵ روز پس از رحلت پیامبر زنده نماندند و در بستر بیماری خطاب به حضرت امیر المؤمنین چنین فرمودند:«؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَهْدَ إِلَيَّ وَ حَدَّثَنِي أَنِّي أَوَّلُ أَهْلِهِ لِحُوقِ يَه وَ لَا بُدَّ مِنِّي، فَاصْبِرْ لِمَا لِلَّهِ تَعَالَى وَ أَرْضَ يَقْضَائِهِ؛ همانا رسول خدا با من عهد بست و اظهار نمود: من اول کسی از اهل بیتش هستم که به او ملحق می&zwnj؛ شوم و چاره&zwnj؛ ای از آن نیست، پس تو صبر نما و به قضا و مقدرات الهی خوشنود باش.»؛ و در ادامه سفارشات خود به حضرت فرمودند:«؛ فَأَكْثِرْ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ الدَّعَاءِ، فَإِنَّهَا سَاعَةٌ يَحْتَاجُ الْمَيِّتُ فِيهَا إِلَى أَنْسِ الْأَحْيَاءِ؛ پس از آن که مرا دفن کردی، برایم قرآن را بسیار تلاوت نما و برایم دعا کن، چون که میت در چنان موقعیتی بیش از هر چیز نیازمند به اُنس با زندگان می باشد.»؛ و شیعیان را چنین مورد عنایت خاصه خود قرار داده و حق مادری را به نحو احسن ادا کرده و فرمودند:«؛ إِلَهِي وَ سَيِّدِي، أَسْأَلُكَ يَا ذَاكَ الصَّغِيرَ مِنْ أَصْطَفَيْتَهُمْ، وَ يَبْكَاءُ وَ لَدَيْكَ فِي مُفَارَقَتِي أَنْ تَغْفِرَ لِعَصَاةِ شِيعَتِي، وَ شِيعَةَ ذُرِّيَّتِي؛ خداوند، به حق اولیاء و مقربانی که آنها را برگزیده&zwnj؛ ای و به گریه فرزندانم پس از مرگ و جدائی من با ایشان از تو می خواهم گناه خطاکاران شیعیان و پیروان ما را ببخشی.»؛

وی افزود: فقط خدا می داند در آن لحظات بسیار سخت که حضرت علی مشغول تدفین دخت پیامبر بودند فقط کوهی چون ایشان میتوانست سنگینی آن مصیبت عظیم را متحمل شود چرا که فرشتگان در آسمان طاقت از کف داده بودند. حضرت در حالی که سخت اشک می ریختند خطاب به پیامبر فرمودند:«؛ ... و ستنبئک اینتک بتضافر امتک علی هضمها فأحفظها السؤال و استخبرها الحال . هذا و لم يطل العهد و يخل منك الذكر(به زودی دخترت تو را از ستمها و حق کشیهای که امتت، همداستان، در حق او روا داشتند، آگاه خواهد ساخت. این ستمها در حالی شد که هنوز از رفتن تو مدتی نگذشته و یادت از میان نرفته بود.»؛

آیت الله میرعظیمی در پایان گفت: بدین ترتیب با غروب طلعت نورانی حضرت زهرا در اثر ستمی که در حق ایشان روا

شد؛ نه تنها حق اهل بیت بلکه حقوق مسلمانان برای همیشه در تاریخ زیر پا نهاده شد و مزد رسالت سنگین پیامبر که فقط اکرام اهل بیت بود به طریقی بسیار ناخوشایند پرداخت شد و حضرت زهرا زخمی و پهلوی شکسته و چون یاس کبود به دیدار پدر و لقاء الله پیوست. بررسی و شناخت عمیق ابعاد زندگی این بانوی بی همتا از قدرت قلمها و ادراک خارج است و دریافت جرعه ای از آن توفیقی عظیم است که آنها از درگاه خداوند منان خواستاریم.